

دکتر خسرو فرشید ورد

بخشی درباره شعر به شیوه کهن

برای اظهار نظر دقیق درباره شعر باید تصور واضح و روشنی از آن داشت. زیرا یکی از عوامل آشفتگی در نقد شعر امروز ابهامی است که بعضی عمداً یا بر اثر بی‌اطلاعی یا تعصب در تعریف شعر به وجود آورده‌اند. فی‌المثل عده‌ای دم از شعر نو یا شعر امروز می‌زنند اما درست مفهوم آن را روشن نمی‌کنند. همین امر باعث شده است که نظریات مردم زمان مادرباره شعر چندان روشن و دقیق نباشد. از اینرو ابتدا باید دانست شعر چیست و شعر خوب کدام است: شعر عبارت است از کلام زیبا و شورانگیز و موزون. از این تعریف چنین برمی‌آید که وزن و زیبایی دو عنصر اصلی شعرند و کلامی که زیبا نباشد یا وزن نداشته باشد اصولاً شعر نیست. در پاسخ اینکه شعر خوب کدام است باید گفت درجه‌ای شور انگیزی و تناسب و زیبایی در شعر بیشتر باشد شعر بهتر است. حالا باید دید شرایط زیبایی شعر چیست؟ پیشینیان در کتابهای معانی و بیان از دیرباز گفته‌اند: کلا زیبا و فصیح از این معایب باید خالی باشد: ۱- غرابت یا نامأنوسی کلمات و دور بودن آنها از فهم ۲- پیچیدگی لفظی و معنوی ۳- مخالفت کلام با قواعد دستوری و ساختمان زبان ۴- تناقضیابی و تناسبی و بدآهنگی حروف و کلمات شعر. اما گذشتگان یک عیب بزرگ شعر و هنر، یعنی ابتذال و تقلید و تکرار را در کتب نقد شعر و معانی و بیان ناگفته گذاشته‌اند یا اگر هم درباره سرقت شعر بحث کرده‌اند، در عمل دزدیدن استعارات و تشبیهات و مضامین را بر

شاعر، از او شاعر، نمایان عیب نگرفته‌اند و همین سبب از انکار عیب در شعر است که در همه آثار

به تقلید از شاهنامه وویس ورامین و خسته نظامی و کلیله و دمنه و گلستان به شیوه‌ای بسیار بی‌هنرانه به وجود آید و اصطلاحات و تشبیهات و تعبیرات شعر فارسی به وضع دل‌آزاری تقلید و تکرار گردد، به طوری که مثلا اگر چهره معشوق همه غزل‌سرایان را از روی شعرهایشان نقاشی کنند تمام عین یکدیگر از آب درمی‌آیند زیرا همه این معشوقگان سر و قد، سیه چشم، سلسله موی، کمان ابرو، عاشق کش و بی‌وفاهستند. گویا شاعر بزرگوار حتی اگر چشم معشوقش کبود هم بوده است ناچار برای حفظ سنت و پیروی از مده شعر آن راسیاه قلمداد می‌کرده. بر اثر این تکرار و تقلید خسته کننده و در نتیجه اصراری که تذکره نویسان قدیم و تاریخ ادبیات نگاران معاصر در شاعر جلوه دادن این ناشاعران کاهل طبع داشته‌اند و دارند مردم روی به اشعار تازه تر معاصر آورده‌اند. باری از این مطالب چنین برمی‌آید که روانی و داشتن معنی روشن و آراسته بودن به قافیه و ردیف و مصراعهای متساوی و نیز تازگی مضامین و بافت کلام و دوری از ابتذال از شرایط زیبایی شعر است.

برای آسانتر کردن فهم موضوع علاوه بر دادن تعریف و دانستن شرایط شعر خوب، بهتر است مآشر به شیوه قدیم را به د و قسمت تحلیل بکنیم و آن را از دو جنبه مورد مطالعه قرار دهیم: یکی از نظر بافت و موضوع و شیوه بیان، دیگر از نظر قالب و وزن.

شک نیست که از نظر اول یعنی از لحاظ شیوه بیان و بافت، دوران شعر به شیوه قدیم سپری شده است زیرا شعر امروز دیگر جای کلمات و ساختمانهای دستوری نامانوس کهن از قبیل هماره، ترفند، حمیم، چونان که، براهی در به‌خانه درون و... نیست. دیگر به کار بردن تعبیرات و تشبیهات قدیم از قبیل قدسرو، کمان ابرو؛ زره زلف و... آن هم بدون هیچ گونه ابداع و نوآوری. جز سرقه ادبی چیزی به‌شمار نمی‌آید. دیگر به قافیه پردازی و لفاظی و سرهم کردن مشت‌کلمات و موضوعات تکراری و پیچیده و مبتذل نمی‌توان شعر اطلاق کرد باری همین پیچیدگی و غرابت و ابتذال و استادمآبی است که مردم را

است که شعر به آن شیوه را به کلی مردود بدانند و گناه کهنگی بافت و طرز بیان شعر را به گردن قالب آن بیفکنند و ادعا کنند که اصولا دوران رعایت قافیه و ردیف و مصراعهای متساوی سبزی شده است، در حالیکه این دوران شیوه بیان و نمونه‌های دستوری کهن و واژه‌های نامانوس و موضوعات مبتذل است که سبزی گردیده‌نه دوران قالبهای کهن.

حالا باید دید چرا بر خلاف ادعای متمصبان کم مایه افراطی دوران

قالبهای کهن سبزی نشده است :

۱- چنانکه دیدیم شعر سخن موزون و زیباست و وزن و قافیه و ردیف و مصراعهای مساوی نیز از عوامل زیبایی است (البته به شرط نو بودن بافت و موضوع و بودن شیوه بیان تازه در شعر) بنا بر این ستیزه کردن با زیبایی شعر نقض غرض و مخالفت با ذات آن است. البته ما از قافیه و ردیف و مصراعهای مساوی به عنوان حفظ میراث کهن ادبی خود دفاع نمی‌کنیم زیرا ما کهن پرست نیستیم بلکه از این روبه دفاع از آنها برمی‌خیزیم که از عوامل زیبایی کلام است و ما باید در زیبا کردن شعر از هر عاملی خواه کهنه و خواه نو بهره بگیریم. این که بعضی از متمصبان و پیروان شعر آزاد می‌گویند مردم امروز از قالبهای قدیم خسته شده و تنها در انتظار اشعار «نو» نشسته‌اند به هیچ وجه درست نیست زیرا همانطور که پیش از این گفتیم مردم از تمبیرات و تشبیهات و اصطلاحات تقلیدی خسته شده‌اند. مردم از تکرار جانگزای اصطلاحاتی مانند دلیر، جانان، جانانه، پیرمغان، و التزام مکرر ذره و آفتاب، زنجیر زلف و دل دیوانه ... به جان آمده‌اند نه از ذات قالبهای قدیم. بنظر من درست قضیه برعکس این است و نگارنده به عنوان یک معلم ادبیات همواره در کلاسهای خود شاهد شور و اشتیاق شاگردان به موسیقی وزن و قافیه و ردیف اشعار زیبا و کهن قالب فارسی بوده است و از این خستگی ادعایی نشانهای در چهره نوجوانان ندیده حتی در مواردی که معنی برای آنان مشکل و دور از فهم بوده است. و انگهی تشخیص این که مردم از قالبهای کهن خسته شده‌اند یا نه و یا اینکه قالبهای آزاد را بیشتر دوست دارند یا جز آن را کار جامعه شناسان هنری و ادبی است که باید در این باره

گیری (Sondage) تحقیق‌کننده کارگروهی آوازه‌جوی متمصب. به‌هر حال مصراعهای مساوی و قافیه و ردیف به‌خودی خود امتیازی برای شعر به‌شمار می‌رود و فقدان آنها امتیازی از شعر کم می‌کند. فی‌المثل از دو شعر که هر دو از لحاظ مضمون و بافت و ادراک و تازگی تعبیرات و تشبیهات در شرایط مساوی باشند بی‌شک آنکه به‌زیور قافیه و ردیف و مصراعهای مساوی آراسته باشد زیباتر است و انکار این امر انکار زیبایی، انکار هنر و انکار بدیهیات است. این را هم ناگفته نمی‌گذاریم که مقید شدن به‌ردیف و قافیه و مصراعهای مساوی ممکن است شاعران ضعیف و بی‌مایه را به‌منجلاب ابتذال و تقلید در اندازد اما برای شاعر با استعداد و هنرمند هرگز چنین نیست همان‌طور که برای سعدی‌ها و حافظ‌ها چنان نبوده است. همچنین باید پذیرفت که برداشتن قید ردیف و قافیه و مصراعهای مساوی نیز گاهی موجب به‌وجود آمدن شعرهایی شده است که زیبایی و تازگی آنها بر کسی پوشیده نیست.

۲- این گونه قالبها از دیرباز با انواع و اقسام معانی را اعم از فلسفی، عرفانی، اجتماعی و سیاسی را تحمل کرده و سربلند بیرون آمده‌اند و هر کسی در این زمینه استعدادی داشته در کار خویش کامیاب شده است. بنابراین امروز هم دلیلی در دست نیست که این قالبها از عهدۀ کشیدن بار مضامین جدید بر نیایند.

۳- اشعار بدیع و زیبایی که در عصر حاضر در قالبهای کهن سروده شده‌است دلیل بر آن است که دوران این قالبها به‌هیچ وجه سپری نشده است. مثلاً با بودن قطعاتی مانند دماوند بهار، عقاب دکتر خانلری و بعضی از اشعار نادرپور، توللی، سیمین بهبانی، دکتر حمیدی، سخن از سپری شدن دوران قالبهای کهن به‌میان آوردن تنها نشانه‌ی تعصب است.

و انگهی شعر بدیع و زیبا در هر قالبی دلنشین است، زیرا اساس در شعر، شیوه بیان و تازگی بافت و موضوع است نه قالب آن (۱) بر فرض محال که امروز هم هیچ شاعر چیره دستی نتواند در قالبهای کهن شعری نثر و زیبا بیافریند، این امر هرگز دلیل آن نیست که در آینده هم چنین باشد مگر این

۱- شعرهای آزادی هم که امروز مورد توجه قرار گرفته‌اند به‌واسطه

که کار تمصب را به غیبگوئی برای پندگان نیز بکشانیم.^۳
 ۴- در تاریخ ادبیات کشورهای دیگر نیز همواره بنام شاعرانی برمیخوریم که افکار و مضامین نورا بایمانی تازه در قالبهای کهن سروده‌اند. بود لرشاعر بلندآوازه فرانسوی و رابرت فراست سخن‌سرای نامی آمریکایی از این دسته به‌شمار می‌روند.

۵- قالبهای جدید خود بر خاسته از قالبهای قدیمند و در حقیقت شاخه‌ای از آن به‌شمار می‌روند. زیرا وزنهای جدید از همان اوزان عروضی قدیم گرفته شده‌اند، بنابراین اگر دوران این قالبها سپری شده باشد دوران وزنهای جدید هم که نوع خاصی از همان اوزان قدیم است برآمده است.
 به این جهت سپری شدن دوران قالبهای کهن ادعایی بیش نیست و عمر این قالبها را بخودی‌خود نمیتوان سپری شده دانست بلکه باهمین قالبها باز هم میتوان مانند گذشته اشعاری بدیع و دلنشین و زیبا سرود ولی این کار مستلزم شرایطی است که مهمترینشان عبارتند از:

۱- پدید آوردن محیط مساعد، به این معنی که در حال و آینده باید محیطی باشد که از این قالبها استقبال کند و سرودن شعر به آنها را مورد تشویق قرار دهد نه اینکه مانند امروز محیطی ساختگی و مصنوعی بوجود آید که سر نوشت شعر بدست صفحات ادبسی هفته نامه‌ها که غالباً بدست مخالفان قالبهای کهن اداره میشوند بیفتد و دائم مستقیم و غیر مستقیم بر ضد این قالبها تبلیغ و زهر پاشی گردد البته چنین محیطی زوال قالبهای کهن را مساعد می‌سازد چه تحت تأثیر این شرایط بسیاری از شاعران از این قالبها روی برمی‌گردانند و به این ترتیب ضربت بزرگی به شعر فارسی وارد میگردد. بنابراین سعی در محکوم کردن مصنوعی قالبهای کهن و ایجاد محیطی ساختگی بر ضد آنها خیانتی است به شعر فارسی و هنر ایرانی که ملت ایران آن را فراموش نخواهد کرد.

۲- عامل مهم دیگری که در مرگ یا بقای قالبهای کهن مؤثر است مایه و استعداد شاعرانی است که در این قالبها شعر می‌سرایند به این معنی که اگر

و تشبیهات و استعارات مکرر مبتذل و کلمات غریب و عبارات پیچیده بسر ندارند - بخصوص اگر شعر آزاد هم پیشرفت کند - قالبهای کهن از رونق خواهند افتاد ولی اگر برعکس این قالبها عرصه شکفتن و بارور شدن مضامین و استعارات و تعبیرات بدیع و عبارات روان باشد بیشک اینها شکوهمندتر از پیش به زندگی خود ادامه خواهند داد .

۳ - عامل دیگری که موجب رونق و استحکام قالبهای کهن خواهد شد رعایت بعضی از نکات و تجدید نظر در بعضی از قواعد آن است که از این قبیلند :

الف - تکرار قافیه تا دو بار در یک غزل یا قطعه بویژه که این کار در قدیم هم سابقه دارد .

ب - از التزام قافیه‌های غریب و نامأنوس و مشکل بمنظور « تکمیل دیوان » و « هنرنمایی » یا « نشان دادن مهارت در شاعری » باید دوری جست زیرا یک قافیه غریب و نامأنوس کافی است که تمام شعر یادست کم یک بیت آن را کهنه و نامأنوس جلوه دهد و التزام اینگونه قافیه‌ها نه تنها نشانه استادی نیست بلکه نوعی بی‌ذوقی و ریاضت ادبی به‌شمار میرود .

ج - سرودن غزلها و قطعات کوتاه - گاهی امکان دارد احساسات و افکار شاعر در یک یا دو یا سه بیت تمام شود اما شاعر به پیروی از سنت و به منظور کامل کردن شماره ابیات غزل یا قصیده یا قطعه مجبور شود که احساسات و افکار غیر واقعی را به خود ببندد و چند شعر زورکی و بدهم در میان اشعار خود بگنجاند . این کار بهانه‌ای به دست متعصبان میدهد و آنان را بر آن می‌دارد که به حق زبان به اعتراض بکشایند و بانگ بردارند که احساسات شاعران کهن سراصیل نیست و بگویند رهبر این گونه شاعران در سرودن شعر، لفاظی و قافیه‌پردازی است نه بیان معنی و احساس. این مشکل با سرودن غزلها و قطعات چهاربیتی و کوتاه‌گاهی از میان میرود بخصوص که در آثار سخنوران چیره‌دست قدیم از جمله سعدی هم به چنین نمونه‌هایی بر میخوریم .

د - میدانیم که ردیف اگر هنرمندانه به کار رود ، موجب زیبایی و هیجان و تأکید در شعر است . اما از طرفی التزام آن در همه اشعار با قافیه واحد،

بنظر من عیبی ندارد که در اشعار ردیف دار پس از سه یا چهار بیت یا بیشتر بدون تغییر ردیف قافیه را عوض کنند یا گاهی مانند بعضی از اشعار مولوی شعر با ردیف ولی بی قافیه بسرایند .

در بکار بستن این قواعد از حمله استاد نمایان و متعصبان کهن پرست نباید هراسید چه این گونه نوآوریها وسیله ای است برای بارور کردن قالبهای زیبای شعر فارسی و نجات آنها از زوال و ابتذال .

با این ترتیب چنان که گفتیم قالبهای کهن با شرایطی میتوانند به بقای خود ادامه دهند که تجلی گاه اشعار بدیع و زیبایی گردند. اما حالا باید دید چرا عده ای به گمان خود ناقوس مرگ این قالبها را بصد در آورده اند و می پندارند دوران آنها سپری شده است . برای این امر علل فراوانی میتوان بیان کرد که اهمشان از این قرار است :

۱- تعصب به قالبهای آزاد - چون گروهی از سرودن شعر خوب در قالبهای قدیم عاجزند و چون تنها در قالبهای آزاد می توانند شعر یا شبه شعری بگویند می پندارند قالبهای جدید هماغیر قالبهای قدیمند از این رو به شکل تعصب آمیزی با آن به مخالفت برمی خیزند در حالیکه باید هم قالبهای قدیم را حفظ کرد و هم قالبهای آزاد را رونق داد و این دو به هیچ وجه مغایرتی با هم ندارند . به دور ریختن قالبهای قدیم بر اثر پیدا شدن قالبهای جدید مانند آن است که پدری با به دنیا آمدن کودک تازه خود فرزند برومندش را هلاک کند .

۲- مخالفت با قالبهای آزاد - گروهی دیگر از متعصبان از آن سوی افراط افتاده اند و وجود قالبهای آزاد را - هر چند با آنها شعرهای بدیع و زیبا هم سروده شده باشد - به کلی نفی می کنند و این تعصب افراطی خود تعصب افراطی دیگری را دامن میزند باین معنی که هواخواهان قالبهای آزاد را بر آن می دارد که به نحو بی انصافانه ای ارزش قالبهای قدیم را انکار نمایند .

۳- سستی وضعف بسیاری از اشعاری که در قالبهای کهن سروده شده است - بعضی می پندارند با سر هم کردن چند عبارت مبتذل و سست و تقلیدی در قالب اوزان و قوافی شعری گفته اند . این کسان از قدیم وجود داشته اند و شمس قیس

در کس سخن موزون از ناموزون بشناخت و قصیده‌ای چند کز، مز، یاد گرفت و از دو سه دیوان چند قصیده در مطالعه آورد به شاعری سر برمی‌آورد و خود را بمجرد نظمی عاری از تهذیب الفاظ و تقریب معانی شاعر میپندارد و چون جاهلی شیفته طبع خویش و معتقد شعر خویش شد بهیچ وجه او را از آن اعتقاد باز نتوان آورد، (۱). باری مخالفان و متعصبان به استناد اینگونه اشعار سست و مبتذل وزن و قافیه و ردیف را مطلقاً مزاحم و مختل معانی بدیع و شاعرانه میدانند و میپندارند دیگر احدی از شرای معاصر یا آینده قادر به سرودن اشعاری نثر در قالبهای قدیم نیست حال آن که این امر کلیت ندارد و اصولاً همانطور که برای رد قالبهای تازه نادیده گرفتن آثار زیبایی که به این شیوه سروده شده است و استناد به نمونه‌های سست و بی معنی آن از قبیل «جین بنفش» و «هدیان سبز» نا پسند و دور از انصاف است توسل به آثار مبتذل شعر به شیوه قدیم نیز برای طرد این طرز منصفانه نیست.

۴- محدودیت دید و بی‌اطلاعی از سیر ادبیات در ایران و جهان وسطی بودن مطالعات نیز از عوامل مخالفت با قالبهای قدیم است. سستی بسیاری از این دلایل را ضمن بحثهای دیگر پیش از این به تفصیل بیان کردیم اینک به رد يك استدلال سطحی دیگر مخالفان قالبهای کهن می‌پردازیم:

متعصبان برای حمله به قالبهای کهن قانون معتبر تحول را دستاویز قرار می‌دهند. اینان می‌گویند هر چیز نومی جای کهنه را می‌گیرد پس قالبهای «نو» هم باید جای قالبهای کهن را بگیرند اما این بیان جز تفسیری قشری و غلط از قانون تحول نیست زیرا از این قانون ازلی و ابدی نمی‌توان نتایج ضد علمی گرفت و فی‌المثل به استناد این قانون نمی‌توان معتقد شد که مردی ساعتی بعد زن و انسانی لحظه‌ای دیگر حیوان میگردد زیرا در قانون تحول هم حساب و کتابی هست و انگهی لفظ «نو» برای نامگذاری قالبهای شعر امروز درست انتخاب نشده است و همین انتخاب بد موجب گمراهی و تفسیر غلط قانون تحول گردیده است زیرا مراد از قالبهای نو یا آنهايي است که اصولاً وزن ندارند که اینها اصلاً شعر نیستند یا آنهايي است که وزن دارند ولی در قافیه

یا مصراعهای آن نظم خاصی نیست پس به این قالبها نام دیگری غیر از «نو» باید داد زیرا هر شعری باید نو باشد و شعرا اگر نو نباشد اصولاً شعر نیست تازه اگر اینها را قالب نوهم بنامیم به دلایلی که گفتیم هیچ نشانه‌ای درین نیست که دوران قالبهای قدیم سپری شده باشد.

نتیجه

در شعر به شیوه قدیم دوران مضامین مکرر و ساختمانهای دستوری و عبارات کهن و لغات منسوخ و ناماً نوس سپری شده است اما دوران قالبهای سنجیده و زیبای کهن به هیچ وجه به سر نرسیده است و بی گمان این قالبها نه تنها مایه انحطاط شعر نیستند بلکه موجب زیبایی و دلنشینی آن هستند و برای شعرا امتیازی به شمار می روند و نبودن آنها امتیازی از شعر کم می کند. ادامه و بقای این قالبها تحت شرایطی به خوبی میسر است :

- ۱- بوجود آمدن شاعران با استعداد و پرمایه و تازه جوئی که مضامین و عبارات بدیع و تازه را به زیور این قالبها بیارایند . ۲- ایجاد محیطی که سرودن شعر به این شیوه را تشویق کند و از تخطئه آن جلوگیری نماید.
- ۳- تجدید نظر در بعضی از قواعد این قالبها .